



تسلیم در برابر دشمن برای حل مشکلات اقتصادی، خطایی نابخشودنی است

به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانیه‌ای مهم و راهبردی...

به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانیه‌ای مهم و راهبردی با تشکر از حضور سرافرازانه و دشمن شکن مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، به تبیین ویژگی‌های مسیر پر افتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات خیره‌کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمانها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند.

به گزارش ایسنا، متن بیانیه رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين

از میان همه ی ملت های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت های که به پا خاسته و انقلاب کرده اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت ها، آرمان های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت سر نهاده و در برابر همه ی وسوسه های که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله ی خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم می‌شود.

آن روز که جهان میان شرق و غرب ماّدی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌بُرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه ی انقلاب و چهل دهه ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیّت، برادری، هیچیک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره ای بدرخشد و در دوره ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.

انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظر پذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیّت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف های بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزش هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش

انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند.

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده ها و موقعیت های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی مبالاتی نمی کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی شک فاصله ی میان پایدها و واقعیت ها، همواره وجدان های آرمان خواه را عذاب داده و می دهد، اما این، فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط ها و چپ روی هایی که مایه ی ننگ بسیاری از قیام ها و جنبش ها است، نشده است. در هیچ معرکه ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله ی اول را شلیک نکرده و در همه ی موارد، پس از حمله ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه ی عمل جهانی و منطقه ای در کنار مظلومان جهان، مایه ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته ها را جز با تجربه ی خود یا گوش سپردن به تجربه ی دیگران نمی توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده ایم و شما خواهید دید. دهه های آینده دهه های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی¹ (ارواحنافده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه ای قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید.

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه ی صفر آغاز شد؛ اولاً؛ همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه و نه به زور شمشیر خود بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً؛ هیچ تجربه ی پیشینی و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام های مارکسیستی و امثال آن نمی توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب های جدید قدرت، تقابل دوگانه ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده ی برجسته ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ی ملت های زیر ستم و جریان های آزادیخواه جهان و برخی دولت های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه ورزانه و بدخواهانه رژیم های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله ی انقلاب، فرعون های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی ها با همه ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبثات، امکان پذیر نمی شد.

به رغم همه ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گام های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می شود که این مدّت، با مدّت های مشابه در انقلاب های

بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم» که امام بزرگوار به همه ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه ی عرصه ها رسانید.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ی ملی را که جان مایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

اولاً؛ ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی اش را پدید آورد.

ثانیاً؛ موتور پیشران کشور در عرصه ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده ی آن روز به روز فراگیرتر می شود. هزاران شرکت دانش بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون ها تحصیل کرده ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده ها طرح بزرگ از قبیل چرخه ی سوخت هسته ای، سلول های بنیادی، فناوری نانو، زیست فناوری و غیره با رتبه های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده ها نمونه ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.

ثالثاً؛ مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک رسانی ها و فعالیت های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه ی خدمت رسانی در حوادث طبیعی و کمبدهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می کنند.

رابعاً؛ بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی را به گونه ی شگفت آوری ارتقا داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله ی جنگ افروزی ها و رذالت ها و دخالت های قدرت های قلدر در امور ملت ها و امثال آن را از انحصار طبقه ی محدود و عزلت گزیده ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه ی کشور و همه ی ساحت های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

خامساً؛ کفه ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه ی زیرساختی و خدمت رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرقه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه سازی و خانه سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سدّ و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان ها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

سادساً؛ عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده ی مبارک را رفتار و

منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه های مادّی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروّج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی ها به آن ضربه های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه ی دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کندند و سپس، آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده ی آنان روبه رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت تر شده است. و اینها همه در دورانی اتّفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پرواننش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویّت را در بخش های عمده ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعّال و پیشرو است.

سابعاً: نماد پر ابّهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت کار، روز به روز برجسته تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته ی آن در مقابل دولت های متکبّر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می رفته است. قدرت های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست نشانده ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه ی دوباره ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدّت جلوگیری کند.

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل های عمده در سرگذشت چهل ساله ی انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوّم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه های گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، ر کورد دار در رسیدن به رتبه های بالا در دانش ها و فنّاوری های مهم از قبیل هسته ای و سلّول های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه ی جهت گیری های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی توجّهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود که متأسّفانه بود و خسارت بار هم بود بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش های مستکبران روبه رو است امّا با تفاوتی کاملاً معنی دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته ی حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح های پیشرفته ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده ها دولت معاند یا مرعوب می بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

اما راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه ی میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند.

نکته ی مهمی که باید آینده سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می کنند که از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی، کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت ها با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی استفاده یا کم استفاده مانده است. همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه ی دوم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه ی انقلابی رشد کرده و آماده ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته ی مادی با آن مقایسه نمی تواند شد.

به جز اینها، فرصت های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می توانند با فعال کردن و بهره گیری از آن، در آمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش هایی از ظرفیت های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت ها دست نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت های استفاده نشده ی طبیعی و انسانی در رتبه ی اول جهان است. بی شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه ی دوم چشم انداز، باید زمان تمرکز بر بهره برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقا یابد.

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه هایی می کنم. این سرفصل ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه ی قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومیدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم. در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه ای دشمن و فعال ترین برنامه های آن، مآبوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت ها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت می کنند. شما جوانان باید پیش گام در شکستن این محاصره ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شما است. نشانه های امیدبخش که به برخی از آنها اشاره شد در برابر چشم شما است. رویش های انقلاب بسی فراتر از ریزش ها است و دست و دل های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه ها با چشم تکریم و احترام می نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

۱) علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه ی دانش در میان خود اصرار می ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دو بیست کشور جهان رسانید و مایه ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته های حسّاس و نو پدید به رتبه های نخستین ارتقا داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم ترین رشته ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده ایم. عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می رویم ولی این شتاب باید سال ها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیّت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید.

۲) معنویّت و اخلاق: معنویّت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیّات نیکو است. معنویّت و اخلاق، جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعّالیّت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت می سازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویّت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومت ها نمی توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون های ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنّمی ها مردم را با زور و فریب، جهنّمی کنند.

ابزارهای رسانه ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره گیری از این ابزارها را به چشم خود می بینیم. دستگاه های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره ی پیش رو باید در این باره ها برنامه های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

۳) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوّت و عامل مهمّ سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویّات بشر، اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه ی اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمی توان به هدف ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیّت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریّتی خردمندانه است و در سال های اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی ° تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی است.

مهم ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش هایی از اقتصاد که در حیطه ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت ها و وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخش هایی از دستگاه های حکومتی است. نتیجه ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بی کاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه ی ضعیف و امثال آن است.

راه حلّ این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرایی برای همه ی بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مؤلّد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش های مهمّ این راه حل ها است. بی گمان یک مجموعه ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر می شود، اما منشأ آن، کانون های فکر و توطئه ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم سازان و تصمیم گیران و افکار عمومی داخلی القاء می شود.

۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظام ها و اگر در بدنه ی حکومت ها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدّی تر و بنیانی تر از دیگر نظام ها است. وسوسه ی مال و مقام و ریاست، حتی در عتوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه ی زهد انقلابی و ساده زیستی می دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته اند، ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان هایی با ایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه جانبه ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف های اولیّه ی همه ی بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدّس در همه ی زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه ی واژگونه نمایی و لااقل سکوت و پنهان سازی که اکنون برنامه ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت ها بتپد و از شکاف های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسان هایند و هیچکدام تفصّل حکومت ها به مردم نیستند. حکومت ها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می دانند که برای آن جنگیده اند. ملّت ایران با جهاد چهل ساله ی خود از جمله ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیت. این ثمر شجره ی طیّبه ی انقلاب را با تأویل و توجیه های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی توان در خطر قرار داد. همه مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی موظّف به حراست از آن با همه ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

۶) عزّت ملّی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین المللی اند. صحنه ی جهانی، امروز شاهد پدیده هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست های آمریکا در منطقه ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملّت ایران علاوه بر آمریکای جنایت کار، تعدادی از دولت های اروپایی را نیز خدعه گر و غیرقابل اعتماد می داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملّی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و مذاکره با آن جز زیان ماڈی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

۷) سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی گذارم و به همین جمله اکتفا می کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است.

در پایان از حضور سر افرازانه و افتخار انگیز و دشمن شکن ملّت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر می کنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می سایم. سلام بر حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیّبه ی شهیدان والا مقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه ی ملّت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه ای

۲۲ / بهمن ماه / ۱۳۹۷